

چگونه یک قاضی شایسته باشیم؛ نصیحتی برای قضات تازه کار*

مهدی ناصری دولت آبادی**

مصطفی صبوری***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۸

چکیده

احترام و اعتماد عامه جامعه و فعالان حقوقی به دستگاه قضایی در گرو منش، نحوه تصمیم‌گیری و صدور منصفانه و عادلانه احکام قضایی توسط قضات با صلاحیت و شایسته است. مقاله پیش رو در پی تشریح مهارت‌های قضایی و مدیریتی و معیارهای اخلاقی برای قضات تازه‌کار است که از ملزومات اساسی کسب شایستگی قضایی به شمار می‌آید. در راستای این هدف، مقاله به بررسی دقیق پنج مهارت قضایی شامل «تسلط کامل بر قوانین آیین دادرسی»، «آشنایی گسترده با قوانین ماهوی»، «توانایی برگزاری مطلوب جلسه استماع»، «صدور دستورات و احکام در یک اسلوب شفاف، منطقی و دقیق» و در نهایت «توانایی برخورد سلبی با درخواست‌هایی که سبب تجدید مکرر جلسه رسیدگی می‌شود» و پنج مهارت مدیریتی شامل «مدیریت زمان»، «مدیریت امور شعبه»، «مدیریت دفتر دادگاه»، «مدیریت نحوه رفتار با وکلا» و «مدیریت نفس» می‌پردازد و تأکید می‌کند که تنها کسب این مهارت‌ها برای شایستگی قضات کافی نیست و قضات لاجرم موظفند که معیارهای اخلاقی پنج‌گانه «دوری‌گزینی و تعلق‌زدایی»، «صداقت و درستکاری»، «استقلال قضایی»، «تواضع» و «بی‌طرفی» را نیز کسب کرده و به منصفانه ظهور رسانند. افزون بر آن، مقاله تلاش داشته است تا با ارجاع مداوم به «اصول بنگلور در باب رفتار قضایی» مصوب ۲۰۰۲، همپوشانی مدعای خود را با این اصول نشان داده و مورد تأکید قرار دهد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های قضایی، مهارت‌های مدیریتی، اخلاق قضایی، اصول بنگلور در باب رفتار قضایی.

* این نوشتار ترجمه مقاله‌ای از ر. و. راویندران قاضی سابق دیوان عالی هند است که تلاش داشته تا حاصل سخنرانی‌های خود در آکادمی قضایی ملی واقع در ایالت بوپال و دانشگاه‌های قضایی ایالت‌هایی چون کارناتاکا، مادایا پرادش، دهلی، تامیل نادو، اندرا پرادش، اوتار پرادش و پنجاب و هاریانا را به رشته تقریر درآورد. مؤلف به خوبی توانسته است میان تجربیات شخصی-کاری خود و رویکرد علمی-حقوقی پیوند برقرار کند و محصل آن را در قالبی تجویزگونه و نصیحت‌گرایانه به نسل جوان و قضات تازه‌کار منتقل سازد.

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه عدالت (نویسنده مسؤول).

naserimahdi88@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

m.sabori@ut.ac.ir

مقدمه

چه زمانی شما یک قاضی شایسته خواهید بود؟ چگونه می‌توانید به این هدف دست یابید؟ آیا سنوات بالای خدمت قضایی و حسن سابقه سبب شایستگی شما است؟ آیا رسیدگی و تصمیم‌گیری سریع و منظم در مورد تعداد معینی از پرونده‌ها به‌منظور رسیدن به حد نصاب سهمیه تعیین شده توسط دادگاه عالی به شایستگی قضات منتج می‌شود؟ آیا شایستگی قضات منوط به تبحر در صدور احکام قضایی است یا خدمت صادقانه در طول دوران فعالیت حرفه‌ای عامل شایستگی قضات است؟

ا/رسطو^۱ در یک معنای موسع، اجرای عدالت را سپردن هر چیز به هر کس بر مبنای حقیقت دانسته است. این یک مفهوم گسترده است و تمامی کسانی را که قدرتی به آنها تفویض شده است - از جمله قدرت اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی - در بر می‌گیرد. یک قاضی با صدور حکم پیرامون دعاوی و شکایات بر اساس قانون و اتخاذ سریع و مؤثر تصمیم قضایی که پس از برگزاری مناسب جلسات رسیدگی حاصل می‌شود عدالت را به اجرا در می‌آورد.

عدالت منطبق بر قوانین به معنای مکانیکی و ماشینی یا مختومه ساختن پرونده‌ها برای اهداف آماری (مثبت شدن آمار شعبه) نیست، بلکه به این معنا است که قاضی به بهترین شکل ممکن پیرامون بیشترین میزان از پرونده‌ها داوری کرده و استانداردهای اخلاقی متعالی را تقویت و عملیاتی سازد. قاضی، با منش و نحوه تصمیم‌گیری‌اش و صدور منصفانه، عادلانه و درست احکام قضایی خویش احترام و اعتماد عامه جامعه و اعضای دادگاه به دستگاه قضا را جلب می‌کند. قاضی می‌باید به‌منظور دستیابی به هدف مزبور، مهارت‌های قضایی، مدیریتی و مهم‌تر از آن دنباله‌روی مصرانه اصول اخلاق قضایی را در دستور کار قرار داده و بهبود بخشد.

۱. مهارت‌های قضایی

شما به عنوان فردی که ریاست یک شعبه را بر عهده دارد به‌منظور ایفای بهینه وظایف محوله نیازمند داشتن پنج مهارت قضایی هستید.

1. Aristotle.

۱-۱. تسلط کامل بر قوانین آیین دادرسی

باید دانش کامل^۱ بر قوانین آیین دادرسی،^۲ که شامل قوانین آیین دادرسی مدنی، قوانین آیین دادرسی کیفری، قوانین مقرر در باب ادله، محدودیت‌ها (مواعد زمانی)، هزینه‌های دادرسی و تمبر و آیین دادرسی مرتبط با کشف جرم است را داشته باشید. دانش بر حوزه‌های مزبور شما را قادر می‌سازد که بر محکمه کنترل داشته و از بروز بی‌نظمی‌ها در آیین دادرسی جلوگیری کنید. بیشتر تجدیدنظرخواهی‌ها نسبت به احکام و اعتراضات به قرار موقت‌ها از اشتباهات آیین دادرسی ناشی می‌شود. چنانچه شما بر قوانین آیین دادرسی تسلط کامل داشته باشید و منطبق بر آن جریان دادرسی را اداره کنید پرونده‌هایی را که به شما ارجاع می‌شود سریع‌تر و مطلوب‌تر حل و فصل می‌کنید.

۲-۱. آشنایی گسترده با قوانین ماهوی

شما باید آشنایی فراگیری با قوانین ماهوی^۳ و اصول حقوقی بنیادین داشته باشید. من به دلیل کثرت قوانین از عبارت «آشنایی فراگیر»^۴ بر قوانین ماهوی به جای «دانش کامل» استفاده کردم. امکان ندارد که پیش از تصدی مسند قضاوت، تسلط کامل و جامعی بر تمام قوانین ماهوی حاصل کنید و حتی عملاً پس از پذیرش شما به عنوان قاضی نیز بعید به نظر می‌رسد که بتوانید تسلط کامل بر قوانین ماهوی را کسب کنید. هر ماده از قانون نکاتی اختلافی دارد که در هنگام بررسی هر پرونده مشخص قادر خواهید بود آنها را دریابید. در چهارچوب یک پرونده خاص و به موازات مطرح شدن موضوعات حقوقی مرتبط و تفسیر و ارزیابی که توسط وکلا در این زمینه مطرح می‌شود فرصت مطالعه کامل قوانین را خواهید یافت. اگر تسلط بر قوانین آیین دادرسی به شما در کنترل جلسه رسیدگی کمک می‌کند آشنایی با قوانین ماهوی به شما کمک می‌کند که احکام منصفانه و درستی صادر کنید و از بروز بی‌عدالتی جلوگیری نمایید.

۳-۱. توانایی برگزاری مطلوب جلسه استماع

شما باید مهارت برگزاری یک جلسه استماع مطلوب را ارتقا بخشید. تمام قوانین آیین

1. Thorough knowledge.
2. Procedural laws.
3. Substantive laws.
4. Broad acquaintance.

دادرسی مدنی و کیفری در پی برگزاری مطلوب جلسه استماع هستند و اصل اول عدالت طبیعی - قضاوت، استماع اظهارات طرفین دعوا است («اظهارات دو طرف را بشنو» یا «هیچ‌کس نباید بدون استماع صحبت‌هایش محکوم شود»)^۱ از همین مسئله نشأت می‌گیرد. برگزاری مناسب جلسه استماع سبب تسریع در حل پرونده قضایی می‌شود و از جمله مؤلفه‌های آن می‌توان به شنیدن اظهارات اصحاب دعوا، توجه به شکایات، دادخواهی‌ها، اختلافات قانونی و نهایتاً اخذ تصمیم اشاره کرد. این مهارت اصلی‌ترین کارویژه یک قاضی است. متأسفانه بسیاری از قضات هنر برگزاری مطلوب جلسات استماع که شامل گوش دادن به اظهارات، غور کردن در ادله و پیگیری دفاعیات می‌شود را در خود ارتقا نمی‌بخشند. شما باید با مداخلات مستمر و مؤثر، ابراز نظرها، جهت‌دهی و هدایت وکلا، ارائه ادله را کنترل و تنظیم کنید تا به این وسیله وکلا به حاشیه نروند و بی‌ربط با موضوع پرونده صحبت نکنند. بسیاری از قضات نسبت به ادله ارائه شده بی‌توجه و بی‌تفاوت هستند. در نتیجه این نحوه برخورد، یک مجموعه استدلال‌ات و ادله غیر مرتبط و اضافی ارائه می‌گردد و قاضی از فهم و پیگیری آنچه در روند رسیدگی اتفاق افتاده است باز می‌ماند. اگر شما جلسه استماع یک پرونده را که شامل مطالعه لوایح متبادله، ادله ثبت شده و دفاعیات مطروحه و نکته‌برداری‌های مهم می‌شود را به صورت کامل و مناسب انجام دهید فرایند تصمیم‌گیری صحیح و صدور حکم آسان‌تر خواهد بود. اگر به صورت روزانه ادله اثبات دعوا را ثبت و دفاعیات را اخذ کنید نیازی نخواهد بود که در هنگام صدور حکم زمان زیادی را صرف خواندن اوراق پرونده نمایید.

۴-۱. صدور دستورات و احکام در یک اسلوب شفاف، منطقی و دقیق

صورت‌برداری از یافته‌های عینی و رسیدن به نتایج، اعمال اصول حقوقی بر نتایج مسلم مزبور به منظور دستیابی به یک تصمیم صحیح و بیان یافته‌های عینی، استدلال‌ات و نتایج در یک اسلوب شفاف، منطقی، دقیق و منسجم به شکل دستور و یا حکم، چهارمین مهارت قضایی است که قضات به آن احتیاج دارند. لازم است اصحاب دعوا،

1. Audi alteram partem (“Hear both sides” or “No one should be condemned unheard”); See: [https://ctconline.org/documents/legal/11.10.12%20Ajay%20Singh%20Material%20SG%20Meeting%20Legal_Maxim\[1\].pdf](https://ctconline.org/documents/legal/11.10.12%20Ajay%20Singh%20Material%20SG%20Meeting%20Legal_Maxim[1].pdf).

و کلا و همچنین قضات دادگاه‌های تجدیدنظر و استیناف، منظور و مراد حکم صادره شما را به درستی بفهمند. نباید برای واضح و روشن ساختن نظرتان مجبور به تکرار آن باشید؛ بلکه باید به صورت شفاف و واضح رأی دهید.

۱-۵. توانایی برخورد سلبی با درخواست‌هایی که سبب تجدید مکرر جلسه رسیدگی می‌شود

دقت نظر و رد مؤثر و سخت‌گیرانه تغییر خواسته، قرارهای اعدادی^۱ و تقاضای تجدید وقت رسیدگی مهارت دیگری است که قضات می‌باید در اختیار داشته باشند. «تأخیرهای» غیرقابل قبول در سیستم قضایی هند عمدتاً ناشی از مدیریت ناکارآمد و غیر مؤثر خواسته‌ها و تقاضاهای این‌چنینی است. شما باید از بروز هرگونه دلسوزی بی‌جا و غیرقابل توجیه در رابطه با درخواست صدور قرارهای موقت و موکول کردن جلسه رسیدگی به زمان دیگر خودداری کنید و وسوسه محبوبیت یافتن در نگاه دیگران را از خود دور سازید. شما باید در ایضاح تمامی ابهام‌ها، ممانعت‌ها و گمراهی‌های غیرمرتبط که به وسیله اصحاب دعوا و یا و کلا مطرح می‌شود تا پیشرفت فرایند دادرسی یک پرونده را با تأخیر روبه‌رو سازد تبحر داشته باشید و بر صدور حکم پرونده اصلی متمرکز شوید. من بر این باور نیستم که شما حتماً باید درخواست‌های مرتبط با صدور قرار اعدادی را رد کنید؛ بلکه از نظر من شما باید در این زمینه سخت‌گیرانه رفتار کنید. آمارها نشان می‌دهد که چیزی در حدود ۴۰ درصد از کل زمانی که صرف بررسی هر پرونده قضایی (از آغاز تا پایان) می‌شود به موضوعات مقدماتی چون صدور قرارها و صدور تجدید وقت رسیدگی اختصاص یافته است.

اگر شما دانش کاملی بر قوانین آیین دادرسی داشته و با اصول حقوقی و قوانین ماهوی نیز به حد قابل قبولی آشنایی داشته باشید و مهارت‌هایی چون برگزاری مطلوب جلسه دادرسی، صورت‌برداری از یافته‌های عینی به منظور دستیابی به نتایج مناسب و بیان آن در قالب یک حکم/دستور واضح، و مهم‌تر از آن برخورد سلبی با درخواست صدور قرارهای اعدادی و تجدید جلسه رسیدگی را دارا باشید می‌توان گفت که شما مهارت‌های قضایی موردنیاز قضات شایسته را کسب کرده‌اید.

1. Interlocutory.

۲. مهارت‌های مدیریتی

لازم است که شما در کنار مهارت‌های قضایی مزبور، پنج مهارت مدیریتی را نیز در خود ارتقا بخشید. در ادامه تلاش می‌کنم که این مهارت‌ها را به صورت مختصر توضیح دهم.

۲-۱. مدیریت زمان

شما در طول سال در حدود ۲۵۰ روز کاری دارید (که چیزی حدود ۱۲۵۰ ساعت کاری در دادگاه است). باید بدانید که چه میزان زمان را برای انجام کارهای مقدماتی، ثبت ادله، رسیدگی به درخواست قرارهای اعدادی و صدور احکام نهایی اختصاص دهید. لازم است به منظور مدیریت بهینه زمان، تمام روز، هفته و ماه را به بخش‌های مشخصی تقسیم کنید. این امر به شما کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی کنید که چه میزان پرونده را می‌توانید در طول یک ماه رسیدگی یا مختومه کنید و سپس به تدریج برون‌داد و بازده کاری خود را افزایش دهید. افزون بر آن، باید برای سلامتی جسمی، روحی (تفریحاتی چون ورزش کردن/یوگا^۱/ درون‌پویی^۲) و گذران اوقات در کنار خانواده نیز زمان کافی را اختصاص دهید.

۲-۲. مدیریت میز کارتان در شعبه

به صورت میانگین هر یک از شما چیزی حدود ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پرونده در شعبه دارید که در فرایند صدور حکم است. شما باید بدانید که چگونه میز کار خود را مدیریت کنید. اگر شما هر روزه تعداد بالایی از پرونده‌ها را طلب کنید بیشتر زمانی که به قضاوت اختصاص داده‌اید صرف جلسات رسیدگی مقدماتی بی‌ثمر خواهد شد. باید برای هر روز کاری برنامه داشته باشید و بدانید که باید چه میزان از پرونده‌ها را برای ارائه ادله اثبات دعوا، چه میزان را برای اخذ دفاعیات (توجه داشته باشید که احتمالاً در برخی از اوقات رسیدگی، جلسات رسیدگی موقتاً تعطیل و به زمان دیگری موکول می‌شوند)، چه میزان پرونده را رسیدگی کرده و یا بدون هیچ‌گونه معطلی مختومه سازید. هر چه تعداد جلسات رسیدگی به یک پرونده کمتر باشد ختم دادرسی سریع‌تر حاصل می‌شود و از این رهگذر مشاجره و مشکلات اصحاب دعوا کاهش می‌یابد.

1. Yoga.

2. Meditation.

شما نباید تعداد زیادی از پرونده‌ها را برای ارائه ادله اثبات و اخذ دفاعیات درخواست کنید. اگر شما بیست پرونده را برای اخذ دفاعیات یا بیست پرونده را برای ارائه ادله اثبات فرا بخوانید استماع و رسیدگی به آنها کاری ناممکن و بی‌فایده خواهد بود. هرگاه یک پرونده برای ارائه ادله اثبات دعوا خواسته می‌شود اصحاب دعوا موظف خواهند بود که در دادگاه حضور یابند و برای تقدیم ادله اعلام آمادگی کنند. تصور کنید اصحاب دعوا برای آماده‌سازی مداوم و حضور در دادگاه برای ارائه ادله اثبات دعوا دائماً چه مقدار زمان و انرژی را باید صرف نمایند. همین شرایط در ارتباط با تعداد زیادی از پرونده‌ها که برای اخذ دفاعیات به دادگاه فرا خوانده می‌شوند نیز مطرح است. هر زمان یک پرونده برای ارائه دفاعیات احضار می‌شود لازم است که وکیل پرونده را مطالعه کند و برای دفاع آماده گردد. اگر جلسه رسیدگی یک پرونده به صورت پی‌درپی به تأخیر افتد اصحاب دعوا و وکلا با این فرض که احتمالاً جلسه دادرسی برگزار نخواهد شد آمادگی لازم را کسب نخواهند کرد. نهایتاً زمانی که پرونده در دستور کار قرار گرفت، اصحاب دعوا و وکلا آمادگی کافی نخواهند داشت و در نتیجه، درخواست تجدید وقت رسیدگی خواهند کرد و یا یک دفاع غیر مؤثر و ناقص از پرونده صورت می‌گیرد و دائماً نیاز است که با احضار گواهان، استماع مجدد دفاعیات و یا اعاده دادرسی بازنگری‌هایی در رأی صورت گیرد.

شما باید قواعد سیستم مدیریت پرونده قضایی^۱ و مدیریت جریان پرونده قضایی^۲ را به صورت مؤثری اجرا کنید. شما باید در ارجاع اصحاب دعوا به فرایندهای حل اختلاف جایگزین مصر باشید. مدیریت زمان و مدیریت (میز کار) شعبه پیوند تنگاتنگی با هم دارند و حتی می‌توان گفت که دقیقاً همپوشان یکدیگرند. توجه همزمان به این دو مسئله سبب مثبت شدن آمار دادگاه (پیشی گرفتن آمار پرونده‌های خروجی نسبت به

۱. Case management «مدیریت پرونده قضایی» مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و روش‌هایی است که دادگاه‌ها به منظور مدیریت حجم و جریان پرونده‌های قضایی بکار می‌گیرند (برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: http://lawcommissionofindia.nic.in/adr_conf/casemgmt%20draft%20rules.pdf).

۲. Case flow management «مدیریت جریان پرونده قضایی» از جمله تکنیک‌های مدیریت پرونده قضایی است که بر اساس آن قاضی و کارکنان دادگاه بر روند یک پرونده قضایی از زمان ارائه دادخواست تا ختم دادرسی نظارت می‌کنند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: <http://dakshindia.org/wp-content/uploads/2015/11/Case-Flow-Management-Rules-in-India-by-DAKSH.pdf>).

پرونده‌های ورودی و معوقه‌ها) می‌گردد.

۲-۳. مدیریت دفتر دادگاه

شما باید بر نیروهای حفاظت دادگاه، تقریرنویس‌ها، کارکنان دفتری و دیگر کارکنان وابسته به دادگاه کنترل و نظارت داشته باشید تا این اطمینان حاصل شود که آنها وظایفشان را به درستی انجام می‌دهند و به صورت مؤثری به شما کمک می‌کنند. لازم است که به منشی (به منظور حصول اطمینان از انجام وظایف فوری چون صدور اخطاریه‌ها، احضاریه‌ها و فرستادن پیوست‌ها و ...) بایگان (به منظور نگهداری صحیح سوابق پرونده)، ثبات (به منظور حصول اطمینان در قبال این که اشیاء مادی و ادله به درستی یادداشت برداری شده و محفوظ نگه داشته می‌شوند) توجه ویژه‌ای داشته باشید. به خاطر داشته باشید که اگر کارکنان دادگاه کارآمد نباشند یا صادقانه و مؤدبانه رفتار نکنند، در عملکرد دادگاه خلل ایجاد می‌شود.

۲-۴. مدیریت چگونگی رفتار با وکلا

وکلا کارگزاران دادگاه هستند. شما تنها با همکاری وکلا می‌توانید پرونده‌های قضایی را با سرعت و دقت مختومه سازید. باید در مدیریت عملکرد وکلا راسخ و در عین حال مؤدب و با تدبیر رفتار کنید. نسبت به اصحاب دعوا و اعضای کانون وکلا متواضعانه رفتار کنید و با منش، رفتار و تعهد کاری خویش احترام آنها را به دست آورید. بدون ایجاد دلخوری در وکلا از آنها طلب مسؤولیت کنید و با اجتناب از بروز تقابل‌های غیر ضروری، آنها را با خود همراه سازید. درخواست‌های واقعی برای تجدید جلسه دادرسی می‌باید مد نظر قرار گیرد، در حالی که باید با درخواست‌های مداوم و غیر ضروری با شدت و حدت برخورد صورت گیرد. اگر شما به محض ارائه درخواست تجدید جلسه دادرسی آن را بپذیرید نمی‌توانید از وکلا و اصحاب دعوا توقع داشته باشید تا خود را برای جلسه رسیدگی آماده سازند. شما باید درخواست‌های صدور دستور موقت^۱ و قرار وثیقه^۲ را سریعاً رد کنید، اما نباید بیش از حد سخت‌گیر باشید.

افزون بر آن، نباید با هدف دستیابی به وجهه عمومی صرفاً به موازات درخواست

1. Interim relief.
2. Interim bail.

صدور قرار دستور موقت، آن را صادر کنید. همگان باید بدانند که شما به هیچ وجه اهل تساهل نیستید و اجازه ارائه ادله غیر ضروری، دفاعیات طولانی و بی ربط، لوایح سطحی و بی ارزش و درخواست‌های مکرر برای تجدید وقت رسیدگی، تأخیر در دادرسی و فریبکاری را نمی‌دهید. در یک کلام، شما باید مصمم و جدی باشید.

۲-۵. مدیریت نفس

مدیریت نفس به معنای منضبط بودن، تعهد و سخت‌کوشی است و به تعبیر دیگر، به مشخصاتی چون داشتن سطح بالایی از سلامت جسمی، روحی، وقت‌شناسی، داشتن ظاهر موجه و خوش پوشی اشاره دارد.

اگر شما با تأخیر در دادگاه حاضر شوید نباید انتظار داشته باشید که کارمندان و وکلا به مسئله زمان پای‌بند باشند. نباید به صورت غیرموجه دادگاه را ترک کنید و در طول ساعت کاری خود در دادگاه باید بر روی صندلی خود بنشینید. باید دستورها و احکام را به موقع صادر کنید.

شما باید از سلامتی کافی برخوردار باشید، در غیر این صورت نمی‌توانید عملکرد قابل قبولی داشته باشید. برای هر پنج تا شش ساعت کار در دادگاه باید چندین ساعت را صرف مدیریت شعبه و چهار پنج ساعت را در خانه صرف خواندن پرونده‌ها، نوشتن، تجویز و اصلاح دستورها و احکام سازید. بنابراین، بیش از ۱۲ ساعت در روز را بر روی صندلی می‌نشینید. این سبک استرس‌زا و راکد زندگی سبب بروز بیماری‌هایی چون فشار خون،^۱ دیابت،^۲ کمردرد، رماتیسم، تشکیل وریدهای واریسی^۳ و سایر بیماری‌های مرتبط با زندگی بی‌تحرک می‌شود. این امر منجر به بروز مکرر بیماری‌ها، عصبانیت و آزرده‌گی دائمی در دادگاه و ناتوانی در تمرکز حواس و خستگی مفرط می‌شود. بنابراین، اگر می‌خواهید که به صورت مؤثر و کارآمد عمل کنید لازم است که به اقداماتی چون انجام ورزش‌های فیزیکی، یوگا، داشتن رژیم غذایی مناسب و اتخاذ رژیم غذایی که برای حفظ سلامتی بسیار ضروری است مبادرت ورزید.

شما باید بتوانید به راحتی با تکنولوژی کار کنید و نحوه کار با رایانه و تکنولوژی

1. Blood-pressure.
2. Diabetes.
3. Spondylitis varicose veins.

اطلاعاتی را بدانید. این مسئله به شما در نوشتن و اصلاح احکام/دستورها، تحقیق بر روی مقاله‌ها و مواد قانون، فراهم آوردن آمار و ارقام و آماده ساختن گزارش‌ها کمک می‌کند. دیر نیست روزی که دادگاه‌های الکترونیک بدون استفاده از کاغذ شکل گیرد و ادله‌ها و دفاعیات حقوقی از طریق ویدئو کنفرانس‌ها ارائه گردد. بنابراین، لازم است که خود را برای مدیریت و استفاده از تکنولوژی آماده کنید.

مهارت‌های مدیریتی پیش‌گفته به کارآمدی شما منتج می‌شود. دستورالعمل‌های زیر که تحت عنوان «شایستگی و سخت‌کوشی»^۱ در «اصول بنگلور در باب رفتار قضایی»^۲ مطرح شده به این بحث مرتبط است:

۱-۶. وظایف و مسؤولیت‌های قضایی قاضی بر همه فعالیت‌های دیگر او مقدم است.
۲-۶. قاضی تمام فعالیت حرفه‌ای خود را به انجام وظایف قضایی محوله اختصاص می‌دهد. این وظایف نه تنها شامل اجرای مسؤولیت‌ها و عملکردهای قضایی در محیط دادگاه و صدور احکام قضایی است بلکه افزون بر آن، دیگر وظایف مرتبط با دستگاه قضایی و مدیریت دادگاه را نیز در بر می‌گیرد.

۳-۶. قاضی باید به منظور حفظ و ارتقاء دانش، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصی لازم برای انجام مطلوب وظایف قضایی گام‌های مناسبی بر دارد و برای دستیابی به این هدف از امکانات آموزشی و دیگر تسهیلاتی که باید تحت نظارت قوه قضاییه در اختیار قضات قرار گیرد استفاده کند.

۵-۶. قاضی باید همه وظایف قضایی محوله از جمله تعویق در صدور رأی برای پرونده‌هایی که نیازمند بازبینی هستند را به شکلی منصفانه، شایسته و در یک بازه زمانی قابل قبول ایفا کند.

۶-۶. قاضی باید نظم و آداب قضا را در همه جلسات رسیدگی در دادگاه حفظ کند و نسبت به اصحاب دعوا، هیأت منصفه، گواهان و وکلا و سایر کسانی که به مناسبت حرفه قضایی خود با آنها ارتباط دارد بردبار، با وقار و مؤدبانه رفتار کند. قاضی باید نسبت به نمایندگان حقوقی، کارکنان دادگاه و دیگر افرادی که تحت کنترل، نظارت و نفوذ او هستند نیز رفتار مشابهی داشته باشد.

1. Competence and diligence.
2. Bangalore Principles of Judicial Conduct.

۶-۷. قاضی نباید به انجام رفتارهایی مبادرت ورزد که با ایفای مسؤولانه وظایف قضایی همخوانی ندارد.^۱

۳. اخلاق قضایی

شما آگاهی و صلاحیت کافی دارید و همچنین دارای مهارت‌های مدیریتی و قضایی هستید. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا این مشخصه‌ها برای تبدیل شدن به یک قاضی خوب کفایت می‌کند یا خیر؟ برای پاسخ دادن به این پرسش می‌باید به رفتار شما به عنوان یک قاضی توجه کنیم و اخلاقیات قضایی را مد نظر قرار دهیم. استانداردهای اخلاقی که باید به وسیله قاضی پیگیری و عملیاتی شود کدامند؟ یک قاضی باید چگونه عمل کند؟ طرز برخورد یک قاضی باید چگونه باشد؟ مردم از یک قاضی چه انتظاراتی دارند؟

برای این که یک قاضی شایسته باشید باید پنج اصل قضایی شامل «دوری‌گزینی و تعلق‌زدایی»، «صداقت و درستکاری»، «استقلال قضایی»، «شخصیت مناسب و متعادل همراه با تواضع» و «بی‌طرفی» را حفظ و تقویت کنید. همه شما به عنوان قاضی، نسبت به استانداردهای اخلاقی رفتار قضایی که در بالا اشاره شد آگاهی دارید؛ اما مشکل در پیگیری مداوم و دقیق اصول مزبور است. بگذارید در این باره بحث کنیم.

۳-۱. دوری‌گزینی و تعلق‌زدایی

مراد از تعلق‌زدایی قضایی چیست؟ تعلق‌زدایی به این معنا است که مبتنی بر یک ساختار فکری ثابت بیان‌نیشید و خود را از عرصه منازعه دور نگه دارید و فارغ از توجه به پیامدهای تصمیمتان عدالت را اجرا نمایید. شما باید بدون تأثیرپذیری از احساساتتان و منطبق بر قانون تصمیم بگیرید که حق با کدام یک از اصحاب دعوا است و کدام یک از اصحاب دعوا موضعی ناحق دارد. از منظر لرد بیرکت،^۲ «مسؤولیت قاضی در نظارت کامل بر جلسات رسیدگی بخش ضروری فرایند اجرای عدالت در دادگاه‌های ما است. قاضی موظف است با طرح پرسش و یا به هر شکل دیگری در هر بازه زمانی که لازم دانست در فرایند رسیدگی مداخله کند. ممکن است قاضی بخواهد در ادله‌ای که واضح و مبرهن به

1. See: https://unodc.org/pdf/crime/corruption/judicial_group/Bangalore_principles.pdf.

2. Lord Birkett.

نظر می‌رسد تردید روا دارد و یا در موضوعاتی که مهم و اساسی می‌داند مذاقه بیشتری به عمل آورد و به انحاء مختلف این مداخلات مطلوب و مفید باشد. لازم به ذکر است که قطعاً همه این دخل و تصرفها و مداخله کردن‌های قضات می‌باید در راستای وظیفه عالی‌ه منتفع شدن اصحاب دعوا از یک محکمه منصفانه باشد. مداخله قضات در جلسه دادرسی نباید خللی در وظایف و کیل به وجود آورد. اما قاضی می‌تواند با حفظ آرامش و منش قضایی که به معنای دوری‌گزینی و تعلق‌زدایی از محل نزاع است به بهترین شکل به فرایند اجرای عدالت کمک کند» (Birkett, 1965, p.547).

پر واضح است که در برخی از پرونده‌های قضایی (برای مثال در دعاوی مرتبط با منافع عمومی) قاضی باید کنشگری قضایی داشته و نسبت به پیامدهای دستورات و اقداماتش هوشیار باشد. من در مقاله‌ای با عنوان «برخی از اصول بنیادین صدور احکام قضایی» (که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است) به این موضوع اشاره کرده‌ام: See: (Raveendran, 2009, p.1).

دوری‌گزینی به معنای زندگی کردن در برج عاج نیست و مراد این نیست که شما نسبت به مسائل جامعه دغدغه‌ای نداشته باشید، یا اینکه به فهم واقعیت‌های روزمره زندگی نیاز ندارید. قضات باید قادر باشند نیازهای جامعه را درک کنند و دغدغه‌های خود را به مشکلات و سختی‌های اقشار ضعیف جامعه پیوند زنند و برای فقرا و فرو افتادگان امکان دستیابی به حق و عدالت را تضمین کنند. صاحبان ثروت، صاحبان قدرت و توانمندان، در آن هنگام که حقوق بنیادین، انسانی و مالکیت را نقض شده می‌یابند یا به رأی اعتراض دارند با استخدام وکلای زبده و با صلاحیت، از حقوق خود محافظت می‌کنند. به خاطر بسپارید که در ازای یک فرد صاحب قدرت و ثروت، صدها تن از افراد وجود دارند که به بخش‌های ضعیف جامعه تعلق دارند و نمی‌توانند بر علیه بی‌عدالتی اعتراض کنند و یا وکلایی استخدام نمایند و در پیشگاه دادگاه حقوقشان را اعاده و اثبات کنند.

در بعد عینی، دوری‌گزینی قضایی به این مسئله اشاره دارد که قضات باید «فاصله» خود را با دیگران حفظ کنند. شما نباید با اعضای کانون، سیاستمداران و یا اصحاب دعوا خودمانی شوید مگر این که با ایفای وظایف و کارویژه‌های عمومی شما مرتبط باشد یا به واسطه رویدادی کاملاً شخصی مانند ازدواج‌ها یا مرگ و میرها این ارتباط شکل گرفته باشد. لبخند بی‌مورد شما به وکیل یا اصحاب دعوا در داخل دادگاه، گپ و گفت

دوستانه با وکلا و اصحاب دعوا در خارج از دادگاه و یا ارسال یک جوک به کنشگران سیاسی در حوزه عمومی سبب سوء برداشت عامه مردم یا کانون وکلا می‌گردد. اگر شما با آنها در محیط خانه‌شان و یا در محیط خانه خودتان و مکان‌های دیگری مانند هتل، رستوران و باشگاه ورزشی مراودات شخصی داشته باشید خود را به دردسر خواهید انداخت و به مردم بهانه می‌دهید که از شما بدگویی کنند. جهان ما سرشار از سوءظن و ابهام است و این سوءظن نسبت به قضات بسیار بیشتر است. بنابراین، شما باید از خودمانی شدن و برقراری ارتباط دوستانه با وکلا و اصحاب دعوا بپرهیزید. نمی‌توان با قطعیت گفت اما شاید اگر قضات و سیستم قضایی به درستکاری و بی‌طرفی خلل ناپذیر شهره شوند تغییرات خوشایند گسترده‌ای رخ می‌دهد.

زمانی که من به قضات توصیه می‌کنم که فاصله خود را با وکلا و اصحاب دعوا حفظ کنید آنها از من می‌پرسند که شما از ما می‌خواهید که فاصله خود را حفظ کنیم اما مقامات عالی‌رتبه قضایی ما را موظف کرده‌اند که برنامه‌های اطلاع‌رسانی حقوقی را برگزار کنیم و برای دست یازیدن به این مهم لاجرم می‌باید با وکلا و اصحاب دعوا ارتباط نزدیکی برقرار کنیم و مجبوریم از مقامات اجرایی بخش، پلیس، مقامات منتخب مردم در آن حوزه انتخابیه و اعضای کانون وکلا به‌منظور سامان‌دهی این‌گونه برنامه‌ها و انجام وظایف این‌چنینی کمک بخواهیم. لذا با استعانت به مسائل مطروحه چگونه می‌توانیم از دیگران فاصله بگیریم و مستقل باشیم!؟

در پاسخ باید اشاره کرد که این موضوع بسیار پیچیده و مبهمی نیست. شما لازم است دو تصویر از خود عرضه کنید. یک تصویر به عنوان قاضی است که بر اساس آن شما نباید ارتباط دوستانه‌ای با وکلا و اصحاب دعوا برقرار کنید و از آنها طلب یاری کنید. در تصویر دوم شما متولی اجرای مقررات قانون خدمات قضایی مصوب ۱۹۸۷^۱ هستید و به این منظور موظف شده‌اید تا با نمایندگان منتخب/ مقامات رسمی و اصحاب دعوا ارتباط برقرار کنید. اگر شما در حال صحبت کردن با فردی در حوزه عمومی همچون برنامه اطلاع‌رسانی حقوقی باشید هیچ فردی به درستکاری و استقلال شما شک و شبهه‌ای روا نمی‌دارد. اگر فردی شما را در یک رستوران یا مکان خصوصی با وکلا و اصحاب دعوا ببیند ممکن است در مورد شما سخنان نامربوط بگوید. اگر شما نسبت به

1. Legal Service Authorities Act, 1987.

تمایز این دو تصویر هوشیار باشید مشکلی پیش نخواهد آمد.

من بر این باورم که قضات به هیچ‌وجه نباید در موقعیتی قرار گیرند که خود را وامدار وکلا، نیروهای پلیس و مقامات اجرایی یا هر مقام مسؤول دیگری بدانند، حال چه این واداری از نحوه انجام خدمات قضایی نشأت گرفته باشد یا این که به ملاقات مسؤولان عالی‌رتبه و یا اقدامات دیگر از این دست مرتبط باشد. اگر قضات برای انجام وظایف نیازمند استمداد و کسب حمایت باشند در آینده می‌باید به انحاء دیگر جبران دین کنند و به تعبیر دیگر، تعلق‌زدایی و استقلال قضایی خود را وا نهند که نهایتاً سبب ایجاد خلل در صداقت و درستکاری آنها می‌شود. از قضات انتظار نمی‌رود که به ایجاد گردهمایی‌های وسیع سیاسی یا اقدامات نمایشی مبادرت ورزند. برگزاری اجتماعات کوچک، انتخاب حضار محدود و انجام گفتگوهای دقیق برای گسترش آگاهی حقوقی کفایت می‌کند. لطفاً شجاعت داشته باشید و خدمات قضایی و دیگر وظایف مرتبط با دادگاه را با نظم و بدون تجمل برگزار کنید و از بروز اقدامات و عملکردهای متظاهرانه جلوگیری کنید.

در اینجا می‌خواهم از ریاست خدمات قضایی^۱ درخواست کنم تا تدابیری بیاندیشند که قضات در ساماندهی و برگزاری برنامه‌های خدمات قضایی احساس انفعال یا ضعف نکنند. در حقیقت، به صلاح است که فعالیت‌های خدمات قضایی به‌وسیله کارکنانی انجام گیرند که پست قضایی ندارند. قضات تنها باید در نقش مهمان یا سخنران در این جلسات شرکت کنند. شخصاً بر این باورم که گسترش آگاهی‌های قضایی در میان عموم و افزایش توانمندی عامه در پیگیری عدالت باید در حیطه وظایف مقامات اجرایی باشد. اما اگر پارلمان ترجیح داده است که قضات این مسؤولیت را به عهده گیرند ما باید با صداقت و به نحو احسن وظایف محوله را انجام دهیم.

در این باب اصول رفتاری تحت عنوان «نزاکت»^۲ که در اعلامیه اصول رفتار قضایی بنگلور مصوب ۲۰۰۲ اشاره شده است مرتبط به نظر می‌رسد که در زیر به آن اشاره می‌کنیم.

«۴-۱. قاضی باید از رفتار ناصحیح و نمود یافتن آن در فعالیت‌هایش پرهیز کند.

1. Chairmen of Legal Service.

2. Propriety.

۴-۲. قاضی به عنوان فردی که دائماً در معرض نگاه‌های افکار عمومی است می‌باید از محدودیت‌های شخصی که شهروندان عادی جامعه آن را ناگوار می‌دانند بپرهیزد و مشتاقانه و با میل و رغبت اجرا کند؛ به ویژه یک قاضی باید به گونه‌ای رفتار کند که با شأن مقام قضایی منطبق باشد.

۴-۳. قاضی باید در روابط شخصی خود با فعالان حرفه حقوقی که دائماً در شعبه قاضی به انجام وظایف حقوقی می‌پردازند از بروز شرایطی که منطقی می‌تواند به سوءظن بدل شود و جانب‌داری و طرفداری از فردی خاص دانسته شود جلوگیری کند.

۴-۴. قاضی نباید در صدور رأی برای پرونده‌هایی که یکی از اصحاب دعوا از اعضای خانواده قاضی هستند یا به انحاء متفاوت با آن دعوا ارتباط می‌یابند مشارکت کند.

۴-۵. قاضی نباید اجازه دهد صاحبان مشاغل قضایی از اقامتگاه او برای استقبال کردن از موکلان یا فعالان حرفه حقوقی بهره جویند.^۱

۲-۳. صداقت و درستکاری

اگر یک قاضی صرفاً به علت درستکاری تشویق و تمجید شود متعجب می‌شوم و در حقیقت می‌توانم بگویم که از این مسئله ناراحت می‌شوم. درستکاری و صداقت ویژگی یا دستاورد منحصر به فردی نیست که مبنای تقدیر و تشکر قرار گیرد. این مشخصه‌ها پیش‌نیازهای بنیادین و اساسی برای هر قاضی هستند و «معیار صلاحیت» غیر قابل مذاکره برای قاضی به شمار می‌آیند. از قاضی انتظار می‌رود و به دیگر سخن، قاضی موظف است که درستکار باشد و داشتن صداقت برای او امری طبیعی و لازم است. اگر یک قاضی فاقد راستگویی و درستکاری باشد صلاحیت قضاوت را ندارد.

ما حدود پانزده هزار قاضی در کشور داریم. حتی اگر یک تعداد کمی از این قضات نیز تخلف کنند رسانه‌ها و افکار عمومی کل سیستم قضایی را به فساد متهم می‌کنند. لطفاً به خاطر داشته باشید که اگر شما به درستی وظایفتان را انجام ندهید نه تنها شخص شما بلکه کل وجهه سیستم قضایی تخریب می‌شود. قضات باید بدون شک مراقب رفتار و منش خود باشند و از این رهگذر برای سیستم قضایی کسب آبرو کنند. احتمال آن نیز وجود دارد که هرگونه رفتار سوء و نامناسب یک قاضی بزرگنمایی شود و اعتماد و اعتقاد

1. See: https://unodc.org/pdf/crime/corruption/judicial_group/Bangalore_principles.pdf.

عامه به سیستم قضایی را کاهش دهد.

بسیاری از متهمان، ثروتمند، قدرتمند و متنفذ هستند. بسیاری از اصحاب دعاوی مدنی به دلایلی چون خودخواهی، حرص و آز، حسادت و نفرت، اقامه دعاوی مدنی می‌کنند. بسیاری از این طرفین (چه در دعاوی کیفری و چه در دعاوی مدنی) قصد دارند که به هر طریقی در پرونده پیروز شوند که متأسفانه اعمال نفوذ بر قضات نیز بخشی از این تلاش است. بنابراین، ایجاد وسوسه در قضات بسیار بالا است. قضات آخرین ملجأ دموکراسی، حاکمیت قانون و مبارزه بر علیه فساد هستند.

جان مارشال^۱ بر این باور است که «قدرت دستگاه قضا نه در صدور احکام قضایی برای پرونده‌ها، اعمال مجازات و تنبیه اهانت به دادگاه، بلکه در اعتماد، اعتقاد و اطمینان عامه مردم به دادگاه است». آن هنگام که سیستم قضایی اعتماد، اعتقاد و اطمینان عامه را از دست داد حاکمیت قانون و دموکراسی به پایان کار خود خواهد رسید. سیستم قضایی هوشیار و قوی جز با وجود قضات درستکار امکان‌ناپذیر است.

بسیاری از قضات فساد را صرفاً به معنای یک تخلف مالی همچون اخذ رشوه در ارتباط با پرونده ارجاع شده به آنها می‌دانند. آنها فرض می‌کنند که حمایت کلی آنها از یک وکیل یا سیاست‌مدار که به پرونده ارجاعی مرتبط نیست بر درستکاری آنها اثر سوئی ندارد.

با این حال، درستکاری چندین بعد دارد. برای مثال از نظر من، قاضی که از یک وکیل برای رفتن به تعطیلات/ تور مسافرتی اتومبیل قرض می‌گیرد، قاضی که در مراسم خانوادگی خود (جشن عروسی، نام‌گذاری/ تولد و غیره) از یک وکیل هدیه دریافت می‌کند، قاضی که به واسطه سهمیه مدیریتی امکان تحصیل آزاد و مجانی فرزندان را در دانشکده پزشکی که برای دیگران چیزی حدود ده هزار روپیه هزینه دارد به دست می‌آورد نیز از مصادیق فساد قضایی به شمار می‌آیند. لطفاً توجه داشته باشد که هیچ‌کدام از موارد مزبور به پرونده‌ای که قاضی برای آن حکم صادر کرده یا در فرایند اجرای رأی قضایی برای آن است مرتبط نمی‌باشد. با این حال، هر اقدامی که احتمالاً به درستکاری قاضی در آینده تأثیر سوء گذارد ناشایست و ناعادلانه است، حتی اگر شخص قاضی از این امر منتفع نباشد.

1. John Marshall.

دریافت هرگونه حمایت و منفعتی از این دست، به صرف داشتن پست قضایی نادرست است. لطفاً به خاطر داشته باشید که در این جهان بدون چشم‌داشت و مجانی به کسی چیزی اعطا نمی‌شود. هر کسی در عوض حمایت از شما خواهسته‌ای دارد. هر زمان یک امتیاز/التفات از یک قاضی (یا یکی از کارکنان دولت) به عمل آمد فردی که این امتیاز/التفات را به او داشته محرک و انگیزشی شخصی داشته است و آن اعطای امتیاز را به‌مثابه یک سرمایه‌گذاری احتمالی برای تقاضای درخواست و یا حداقل التفات و حمایتی مشابه در آینده می‌داند. بهترین راه برای حفظ درستکاری و پاک‌دامنی این است که به عنوان قاضی هیچ‌گونه حمایت و امتیازی را از هیچ فردی قبول نکنید.

شما نه تنها باید درستکار و صادق باشید بلکه باید دیگران نیز شما را درستکار بدانند و به داشتن این خصلت شهره شوید. نمی‌توانید ادعا کنید که «من با وجدان هستم و هیچ‌گونه فسادى ندارم، بنابراین می‌توانم با اصحاب سیاست مراوده داشته و با یک وکیل نه‌پهار بخورم». شما ممکن است درستکار باشید اما متأسفانه اصحاب دعوا و عموم مردم احتمالاً شما را صادق و درستکار نخواهند دانست. در این جهان که خودمحوری اساس رفتار انسان‌ها دانسته شده است و فساد و کژی را در همه جا می‌توان مشاهده کرد، اگر حتی شما حقیقتاً درستکار و راستگو باشید اما رفتارتان به‌گونه‌ای باشد که فضایی را برای ظهور و بروز فساد فراهم آورد می‌توان برانگیخته شدن انگیزه‌های مفسدانه را پیش‌بینی کرد. اگر مردم شما را با یک وکیل در یک باشگاه ببینند احتمالاً فرض می‌کنند که شما در حال زد و بند هستید. بنابراین، به‌منظور جلوگیری از نسبت ناروا دادن به شما و کسب نام نیک برای خودتان و دستگاه قضا از بروز این‌گونه رفتارها خودداری کنید.

دستورالعمل‌های زیر که از اصول بنگلور در باب رفتار قضایی (۲۰۰۲) محسوب می‌شود با مباحث مزبور مرتبط است:

«۱-۳. قاضی باید به‌گونه‌ای رفتار کند که یک ناظر معقول نتواند او را ملامت و

سرزنش کند.

۲-۳. رفتار و منش قاضی باید مهر تأییدی بر اعتقاد مردم به سلامت دستگاه قضا بزند. نباید صرفاً به اجرای عدالت اکتفا کرد بلکه عامه مردم نیز باید عادلانه بودن احکام قضایی را تصدیق کنند.

۴-۱۴. یک قاضی و اعضای خانواده قضات نباید به هیچ‌وجه در ازای انجام کاری یا

وعده انجام کاری در آینده و یا انصراف از انجام کاری که به وظایف قضایی قاضی مرتبط است هدیه، امتیاز، درخواست و وامی را مطالبه کرده یا بپذیرند.

۴-۱۵. قاضی نباید به صورت آگاهانه به کارکنان دادگاه یا دیگر افرادی که تحت نفوذ، مدیریت یا اختیار وی قرار دارند اجازه دهد که در ازای انجام کاری یا وعده انجام کاری در آینده و یا صرف نظر کردن از انجام کاری (که مرتبط با وظایف قضایی است) هر نوع هدیه، امتیاز، خواسته و وامی را مطالبه کرده یا بپذیرند.

۴-۱۶. قاضی می‌تواند منطبق بر قانون و هرگونه الزامات قانونی مرتبط با افشای عمومی اطلاعات، هدیه یا جایزه و یا مزیتی را به عنوان یادبود از محلی که آن را ساخته دریافت کند، به شرط این که این‌گونه هدایا، جوایز و مزایا به دنبال اثرگذاری بر قاضی در انجام وظایف قضایی نباشد و به طرق دیگر سبب بروز جانب‌داری در قاضی نشود.^۱

۳-۳. استقلال قضایی^۲

شما از اعضای دادگستری ناحیه هستید. استفاده از واژه سیستم قضایی «مادون»^۳ در قانون اساسی به منظور تشریح دادگستری ناحیه در پی محدود ساختن استقلال قضایی نیست. قانون اساسی صرفاً از این واژه استفاده کرده است تا قضاتی را که در سلسله مراتب قضایی جایگاه پایین‌تری نسبت به قضات دادگاه عالی دارند تعریف کند. اما متأسفانه اخیراً برخی از قضات واژه «مادون» را به معنای تابع بودن درک کرده‌اند. دادگاه‌های عالی این اختیار را دارند تا حکمی را که شما در دادگستری ناحیه صادر کرده‌اید اصلاح کنند اما نمی‌توانند شما را مجبور کنند که در مرحله بدوی چگونه تصمیم بگیرید و یا چه حکمی را صادر کنید. هیچ کنترل و محدودیتی بر استقلال شما در نحوه تصمیم‌گیری و حکمی که منطبق بر قانون صادر کرده‌اید وجود ندارد (مگر این که پس از زمانی که شما دستور قضایی را صادر کردید و در حین تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر این مسئله رخ دهد). شما در اعمال وظایف و کارویژه‌های قضایی خود وابسته و تابع هیچ فردی نیستید. تفاوت بین اعضای دادگستری ناحیه و اعضای دادگاه‌های عالی تنها در حیطه صلاحیت آنها است.

1. See: https://unodc.org/pdf/crime/corruption/judicial_group/Bangalore_principles.pdf.

2. Judicial Independence.

3. Sub-ordinate.

استقلال قضایی به این معنا نیست که هرگونه بخواهید عمل کنید و هر آنچه را منصفانه و عادلانه دانستید انجام دهید. شما موظفید که تنها بر اساس قانون و نه درک و اعتقاد خود از حق، عدالت را اجرا کنید. قاضی کاردوزو^۱ هشدار داده است که «اگرچه قاضی صاحب اختیار است اما با این حال، این اختیار بی‌حد و حصر نیست. قاضی نمی‌تواند بر اساس میل و خواست خود عمل کند و ایده‌ئال‌های فردی خود از عدالت و انصاف را به صورت ماجراجویانه‌ای دنبال کند. باید از اصول تقدیس شده قانون الهام گیرد. نباید تسلیم احساسات هیجانی و نوع‌پرستی مبهم و افسارگسیخته شود. باید بر طبق سنت، مبتنی بر قیاس، سیستمیک و ساختارمند، و با استعانت و تبعیت از جایگاه ضروری نظم در زندگی اجتماعی اعمال صلاحیت کند».

می‌توان گفت که استقلال قضایی یک امتیاز انحصاری برای بهره‌مندی قضات نیست، بلکه بازتابی از حق انحصاری مردم برای حاکمیت قانون در یک نظام دموکراتیک است. استقلال قضایی تضمینی برای حفاظت از مردم در برابر رفتارهای متلون مقامات اجرایی و قانون‌گذاری است. استقلال قضایی از ایفای موشکافانه و صادقانه وظایف منتج می‌شود. دادگاه عالی هند در دعوی اتحاد هند علیه گاندی، کانون وکلای مدراس به این مسئله اشاره کرده است که «استقلال به معنای رهایی قضات برای عمل کردن بر مبنای خواست و میل شخصی نیست، بلکه به معنای آزادی در اندیشه و تفکر قضایی است. رهایی از دخالت‌ها و فشارهایی است که بستری را فراهم می‌آورد تا قاضی بتواند با تعهد بی‌قید و شرط به عدالت و ارزش‌های والای قانون اساسی انجام وظیفه کنند. همچنین استقلال، نظم در زندگی، عادات و نگرش‌ها است که به قاضی کمک می‌کند تا بی‌طرف بماند.

اصول بنگلور در باب رفتار قضایی (۲۰۰۲)، اصل استقلال قضایی را این‌گونه تعریف

می‌کند:

«اصل:

استقلال قضایی پیش شرط حاکمیت قانون و تضمینی اساسی برای برگزاری یک

۱. Benjamin Nathan Cardozo (1870-1938) حقوقدان و قاضی آمریکایی است که سابقه خدمت در دادگاه عالی ایالات متحده را دارد. کاردوزو به علت تأثیر شگرفی که بر توسعه قانون کامن‌لای آمریکا در قرن بیستم داشته است، شهرت دارد (م).

محکمه عادلانه است. بنابراین، قاضی چه در شکل نهادی و فردی، استقلال قضایی را حفظ و اعمال می‌کند.

کاربرد:

«۱-۱. قاضی باید وظایف قضایی خود را به صورت مستقلانه و بر پایه ارزیابی‌اش از یافته‌های عینی و منطبق با درک وجدانی‌اش از قانون ایفا نماید و از تأثیرات بیرونی، انگیزه‌ها، فشارها، تهدیدات یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم که به هر دلیل و از هر منبعی بر او اعمال می‌شود آزاد و رها باشد.

۱-۲. قاضی باید در رابطه با جامعه به طور اعم و در رابطه با اصحاب دعوی مشخصی که رسیدگی به پرونده آنها را بر عهده دارد، استقلال داشته باشد.

۱-۳. قاضی نه تنها باید از ارتباطات نادرست و تأثیرپذیری از مقامات اجرایی و قانون‌گذاری رها باشد، بلکه باید یک ناظر عادی نیز او را از تأثیرپذیری و وامداری میرا بداند.

۱-۴. قاضی باید در انجام مسؤولیت‌های قضایی و در باب تصمیماتی که می‌باید مستقلاً تصمیم بگیرد از همکاران قضایی مستقل باشد.

۱-۵. قاضی باید برای ایفای مسؤولیت‌های قضایی به منظور حفظ و ارتقاء استقلال نهادی و عملی نظام قضایی، مراقبت‌های لازم و احتیاط‌های بیشتری به عمل آورد.

۱-۶. قاضی باید به منظور تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضا که نقشی بنیادین در حفظ استقلال قضایی دارد، استانداردهای والای رفتار قضایی را ابراز داشته و ارتقاء بخشد»^۱.

۳-۴. تواضع (تناسب و تعادل شخصیت قضایی)

قضات بخشی از اجتماع هستند و نباید خود را برتر از دیگران بدانند. در هند قضات از قدر و ارزش بسیار بالایی برخوردارند و با عناوینی چون «سرور» و «عالی‌جناب» خطاب می‌شوند و مورد تعظیم و احترام همگان هستند و از خواستشان تمکین و تبعیت می‌شود. قضات روزانه سرنوشت اصحاب دعوا را رقم می‌زنند و مستمعین دست‌بسته‌ای در دادگاه دارند که هرچه بر زبان آورند با دیده منت می‌پذیرند و بر هر سخن لغو و

1. See: https://unodc.org/pdf/crime/corruption/judicial_group/Bangalore_principles.pdf.

بیهوده‌ای به نشانه تأیید لبخند می‌زنند و هرگونه اظهارنظری را تقدیر می‌کنند. تعجبی ندارد که به مرور زمان برخی از قضات احساس می‌کنند که بسیار عاقل، آگاه، باهوش، قدرتمند و مهم هستند و کلام‌شان قانون است و آرزوها و امیالشان فرمانی است که همگان باید مطیعانه به آنها گردن نهند و فروتنی و تواضع از ذهن و رفتارشان رنگ می‌بازد. به همین دلیل *هارولد ریموند مدینا*^۱ هشدار می‌دهد که «زیردستان، وکلا و اصحاب دعوا قاضی را احاطه می‌کنند و دائماً او را فردی شایسته، باهوش و آگاه خطاب می‌کنند. قاضی به تعریف و تمجیدهای آنها ایمان می‌آورد و از اصل خود دور می‌افتد و به‌طور کامل از مشخصه‌های یک قاضی آرمانی ساقط می‌شود».

تواضع، صفتی است که سبب می‌شود یک قاضی خود را مصون از اشتباه یا قادر مطلق نداند و با آرامش به نظر وکلای پرونده که محتوای پرونده را مطالعه کرده و در قانون تحقیق و تتبع داشته‌اند گوش سپارد و دفاعیات مطروحه را پیگیری کند و نهایتاً با روشن‌اندیشی و امعان نظر در تمامی موضوعات رأی خود را صادر کند. قاضی غیرمتواضع به شخصیتی متکبر، مغرور و متحجر بدل می‌شود و وکلا را افرادی ناآگاه تصور می‌کند، درحالی‌که خود را واقف بر همه امور و تصمیمات خود را درست و به‌جا می‌داند. او تمایل دارد تا در احکام و دستورات خود صرفاً ذکاوت، آگاهی و اطلاعاتش را به نمایش گذارد و اجرای عدالت را به مقام‌های مسؤول پایین‌تر احاله دهد. کوتاه سخن آن که، قاضی فاقد تواضع و فروتنی، شایستگی مقام قضاوت را از دست می‌دهد.

شما باید به جای این که برای نشان دادن آموخته‌ها، هوش و قدرت که لاجرم ره به سوی بی‌عدالتی دارد تلاش کنید و بیشتر هم و غم خود را برای اجرای عدالت صرف کنید. از منظر قاضی *فرانکفورتر*^۲ «تواضع قضایی» گرایش به احترام و پاسداری از قانون، تغییر تفکر ارتودوکسی، پذیرش دیدگاه‌های دیگر، پذیرفتن استدلال درست، پیگیری

۱. Harold R. Medina (1888-1990) حقوق‌دان و قاضی آمریکایی است که به علت رسیدگی به پرونده‌های مهم جاسوسی و خیانت شهرت یافت. ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۴۷ *هارولد مدینا* را به عنوان قاضی دادگاه فدرال منطقه جنوبی ایالت نیویورک انتخاب کرد. او در سال ۱۹۴۹ رسیدگی به پرونده یازده تن از سران حزب کمونیست ایالات متحده را که متهم به حمایت از سرنگونی خشونت‌آمیز دولت شده بودند بر عهده گرفت (م).

۲. Felix Frankfurter (1882-1965) حقوق‌دان و قاضی آمریکایی است که از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۲ در دادگاه عالی ایالات متحده خدمت کرده است (م).

عدالت، بی‌تعلقی و دوری‌گزینی و کنار نهادن تعصب‌های درونی است. شما باید از وسوسه‌ی تعجیل در دستیابی به یک نتیجه‌گیری و اتخاذ یک موضع و سپس کنار گذاشتن سریع نظراتان اجتناب کنید. اگر بدون برگزاری کامل و مناسب جلسه دادرسی و استماع، تصمیم‌گیری کنید و به‌صورت کورکورانه از آن دفاع کنید مجبور خواهید بود که به جای بنانهادن تصمیمتان بر قانون و مصادیق عینی، قوانین و مصادیقی را بیابید که با تصمیم از پیش اتخاذ شده شما متناسب باشد. همچنین، تلاش خواهید کرد که قوانین و مصادیق عینی را که در تضاد با دیدگاهتان قرار دارد انکار کرده و نادیده بگیرید. انتخاب مواد قانونی و مصادیق عینی به‌منظور حمایت از تصمیم از پیش انتخاب شده تنها مؤید خواستتان برای به رخ کشیدن هوش و توانایی‌هایتان است و تصدیق‌کننده میل‌تان برای اجرای عدالت نیست. بنابراین، می‌توان گفت که بسیاری از حقوق‌دانان موفق و با استعدادی که در احکام قضایی خود به جای اجرای عدالت دلبسته به رخ کشیدن دانش و ذکاوتشان هستند نمی‌توانند قاضی شایسته‌ای باشند.

شما نباید اصحاب دعوا را با زور و اجبار به پذیرش یک مصالحه و سازش وادار سازید. در حقیقت، شما حتی نباید بدون داشتن اشراف بر تمامی واقعیات عینی به اصحاب دعوا پیشنهاد سازش دهید. اما در صورتی که پیشنهاد سازش و مصالحه دهید چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ در بسیاری از پرونده‌ها طرفی که استدلال ضعیف‌تری دارد ممکن است مشتاق به سازش باشد، در صورتی که طرف دیگر دعوا که در موضع قدرت و حق قرار دارد ممکن است از پذیرش این امر ناخشنود باشد. اگر شما پیشنهاد سازش دادید به‌صورت طبیعی از طرف مخالف آزرده خاطر خواهید بود. پس از این امر و در حین رسیدگی به پرونده ممکن است همچنان از مخالفت با پیشنهاد سازش دلگیر باشید و بخواهید فارغ از محتوای پرونده و در ازای بی‌اعتنایی به پیشنهادتان درس عبرتی به او بدهید. طبیعتاً به موازات بلوغ قضایی که از رهگذر افزایش تجربه کاری حاصل می‌شود احتمال بروز این قبیل مشکلات کاهش می‌یابد. در حقیقت، بسیاری از قضات که به‌صورت صادقانه راه حل دعوا را در سازش می‌دانند و به اصحاب دعوا آن را پیشنهاد می‌کنند حتی اگر سازش به نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز ملموسی دست نیابد با این حال توانسته‌اند به شکل منصفانه‌ای خود را از استماع و رسیدگی پرونده خلاصی بخشند.

همچنین، نباید با اظهارنظر رسانه‌ها و یا واکنش منفی یک گروه مشخص ناراحت و آزرده خاطر شوید. احکام قضایی صادره و اقداماتتان نباید عوام‌فریبانه باشند. شما در پی

تصدی یک مقام دولتی (که نیاز به رأی مردم دارد) و یا کسب محبوبیت و شهرت نیستید. اگر قضات بخواهند به خاطر خشنودی اکثریت حکم صادر کنند اجرای عدالت برای اقلیت ناممکن می‌شود. اگر قضات متأثر از دیدگاه‌های صاحبان ثروت و قدرت عمل کنند فقرا و فرو افتادگان از دستیابی به عدالت محروم خواهند شد.

دو ایراد متداول از قضات گرفته می‌شود که اولاً، قضات در برج عاج^۱ زندگی می‌کنند و ثانیاً، قضات درکی از واقعیت‌های بنیادین جامعه ندارند و دستوراتشان علی‌رغم قانونی بودن، غیرکاربردی است و قابلیت اجرا ندارد. در باب ایراد نخست باید گفت که نگران این‌گونه اظهارات نباشید، چراکه قضات هر روز با مشکلات، نگرانی‌ها و آلام عامه مردم دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها روزنامه‌ها و مجلات را مطالعه می‌کنند و تلویزیون می‌بینند و به اینترنت دسترسی دارند و بسیار واقع‌نگر و عمل‌گرا هستند. در حقیقت، نگرانی آنجا است که گاهی اوقات تصمیمات قضات تحت تأثیر فشار افکار عمومی قرار می‌گیرد و این مسئله در پرونده‌های کیفری که در جامعه هیجان‌برانگیز است، نمود بیشتری دارد. در باب ایراد دوم (غیرکاربردی بودن تصمیمات قضات) لازم به یادآوری است که قضات طبق قانون مصوب رأی می‌دهند و قانون‌گذار نیستند و قوه مقننه وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده دارد. اگر هرگونه انعطاف‌ناپذیری و کاربست‌ناپذیری در قوانین وجود دارد نباید به قضات خورده گرفت و آنها را مقصر دانست.

۳-۵. بی‌طرفی (حریت از بند غرض‌ورزی و تعصب)

حال به مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی یک قاضی می‌رسیم و آن بی‌طرفی است. در حقیقت، برای دستیابی به بی‌طرفی شما باید همه ویژگی‌های چهارگانه فوق (یعنی صداقت و درستکاری، استقلال قضایی، تعلق‌زدایی و فروتنی) و فراتر از آن رهایی از قید تعصب و غرض‌ورزی را داشته باشید. تعصب و غرض‌ورزی در قاضی می‌تواند به دو شکل بیرونی و درونی ظهور و بروز یابد.

۳-۵-۱. تعصب و غرض‌ورزی بیرونی

هنگامی که یک وکیل از طبقه^۲ یا اجتماع^۱ شما در جلسه دادگاه حضور می‌یابد نباید

1. Ivory tower.

۲. Caste از واژه‌ای پرتغالی به معنای نسل و نژاد گرفته شده است و سلسله مراتب اجتماعی میان هندوها را نشان

به دلیل همسانی طبقه اجتماعی به نفع او حکم صادر شود. اگر یک دعوا میان افرادی متعلق به طبقه/ اجتماع شما و فردی که به طبقه اجتماعی رقیب اختصاص دارد مطرح شود شما نباید به حمایت از عضو اجتماع خود مبادرت ورزید. این مسئله مصداق تعصب خواهد بود. زمانی که یکی از اصحاب دعوا از طبقه/ اجتماع دیگر است شما باید به صورت سخت‌گیرانه و قاطع از مطرح شدن این برهان که طبقه اجتماعی او چیست و به کدام اجتماع وابسته است اجتناب کنید و این استدلال مصداق غرض‌ورزی خواهد بود. قضات باید با هرگونه غرض‌ورزی و تعصب که مبتنی بر طبقه/ اجتماع باشد مقابله کنند.

گاهی اوقات یک دوست یا یکی از بستگان نسبی دور و یا حتی مربی شما (یا فردی که رهبری و عضویت یک حزب سیاسی که شما با آن دلبسته‌اید یا پیروی می‌کنید) به عنوان اصحاب دعوا و یا وکیل در مقابل شما حاضر می‌شود. موقعی که این مسئله اتفاق می‌افتد شما باید از بروز هرگونه اشتیاق و تمایلی برای تصمیم‌گیری و اعمال صلاحیت قضایی خود به نفع او جلوگیری کنید. اگر شما تنها بر پایه این استدلال ناموجه و سطحی که تنها یک قرار موقت یک‌طرفه را صادر کرده‌اید و به هنگام حضور طرف دیگر دعوی آن را تغییر داده و بی‌طرفانه حکم خواهید کرد، به نفع آشنایان خویش از صلاحیت قضایی خود استفاده کنید، به صورت واضح به قوم‌گرایی و خویشاوندگرایی^۳ مبادرت ورزیده‌اید.

برخی از قضات فکر می‌کنند که خوب است با اعطای قرارهای موقت به کارآموزان سبب تشویق آنها شوند. این شکل از تشویق و ترغیب اساساً درکی اشتباه از چیستی مفهوم تشویق را در بطن و متن خود دارد. شما با برگزاری صبورانه فرایند استماع، برخورد بردبارانه و همراه با عطف با آنها، فرصت دادن به آنها برای رفع حس کم‌رویی،

می‌دهد. در این نظام مزایای اجتماعی بر اساس نقش‌های انتسابی توزیع می‌شود و افراد عضو در طبقات مختلف، حق گذر به طبقات دیگر را ندارند و باید شرایط ویژه‌ای را در رفتار و اعمال خود و در رابطه با اعضای طبقات دیگر رعایت کنند(م).

1. Community.

۲. Ex parte یک اصطلاح حقوقی با ریشه لاتینی و به این معنا است که قاضی بدون حضور تمامی اصحاب دعوا دستوری را صادر کند. در سیستم حقوقی کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، انگلیس و هند این اصطلاح به معنای جلسه دادرسی است که در غیاب و حتی بدون آگهی دیگر اصحاب دعوا شکل بگیرد(م).

3. Nepotism.

لکنت زبان و مشکلات حرکتی که دارند و پذیرش درخواست آنها برای دفاع در زمان دیگر و پس از مطالعه پرونده، می‌توانید کارآموزان را تشویق کنید. اعطای قرارهای موقت برای پرونده‌ای که فاقد شرایط لازم است و صرفاً به دلیل حضور یک کارآموز، سوء استفاده از قدرت قضایی و غرض‌ورزی نسبت به طرف دیگر دعوا است و نمی‌توان آن را به مثابه تشویق و ترغیب کارآموز دانست. این قبیل ابراز همدردی نه‌تنها تشویق نیست بلکه عملاً یک نوع تعصب غیر قانونی محسوب می‌شود.

اجازه دهید به برخی از اشکال دیگر تبعیض و غرض‌ورزی اشاره کنم. برخی از وکلا نسبت به دادگاه مبادی آداب هستند و رفتار مؤدبانه‌ای دارند و در هنگام حاضر شدن و خروج از صحن دادگاه به نشانه احترام خم می‌شوند. آنها در ردیف جلو دادگاه می‌نشینند و بر همه مزاح‌ها و بذله‌گویی‌های قضات هرچند احمقانه و مبتذل نیز باشد به نشانه تأیید و تقدیر لبخند می‌زنند و با تکان دادن سر، همه تفسیرهای جزئی قواعد حقوقی توسط قاضی را هرچند که این تفسیر اشتباه و عبث باشد تأیید می‌کنند. زمانی که این مسئله اتفاق می‌افتد قاضی با خود فکر می‌کند «حقیقتاً، این وکیل شایسته و باهوش است» و به مرور «حس خوش‌بینانه» را نسبت به این‌گونه وکلا پیدا می‌کند. از طرف دیگر، برخی از وکلا با یک چهره ناخوشایند و غیردوستانه در دادگاه حاضر می‌شوند. هر زمان که قاضی شوخی می‌کند یا برخی از اصول قانونی را اعلام می‌دارد، با بی‌تفاوتی نگاه می‌کنند و یا جمله‌ای را به زبان می‌رانند که تلویحاً حاکی از آن است که آنها قاضی را از نظر علمی بی‌مایه می‌دانند و دانش او را نادیده می‌گیرند. بنابراین، قاضی درباره او این‌گونه فکر می‌کند که «این مرد کندذهن است و نمی‌تواند هوش، دانش و ذکاوت مرا درک کرده و قدر بداند» و به مرور احساس ناخوشایندی نسبت به این‌گونه وکلا در او تقویت می‌شود. بعد از مدتی به احتمال زیاد وکلای «پسندیده شده» نسبت به وکلای «ناخوشایند» شانس بیشتری در گرفتن قرارهای تأمینی از قاضی را خواهند داشت. این مسئله عملاً تعصب و غرض‌ورزی است که می‌بایست کاهش یابد.

همچنین، گونه‌های دیگری از تعصب و غرض‌ورزی نیز وجود دارد. برخی از وکلا در ارائه لوایح بسیار منطقی عمل می‌کنند. لوایح بسیار دقیق مختصر و مؤدبانه است. اما برخی وکلای «بد اخلاق» که مبهم و بی‌ربط با موضوع سخن می‌گویند، با قضات مخالفت می‌کنند و به مشاجره و مجادله با قضات می‌پردازند و او را عصبانی و دل‌آزرده می‌کنند. زمانی که وکلای «منطقی» در دادگاه حاضر می‌شوند قاضی از نظر روحی

احساس آرامش می‌کند. اگر یک وکیل بسیار معقول و منطقی و کالت یک پرونده بد (با شانس کم برای پیروزی در پرونده) را بر عهده داشته باشد و یک وکیل بد اخلاق و کالت یک پرونده خوب (با شانس بالای پیروزی) را داشته باشد شانس وکیل خوب با پرونده بد، در گرفتن نتیجه مطلوب بیشتر از وکیل بد با پرونده خوب است. این نتایج عملاً مؤید تعصب و غرض‌ورزی قاضی است و شما باید همیشه مانع ظهور و بروز این‌گونه جانب‌داری‌ها و غرض‌ورزی‌ها باشید.

ابراز علاقه یا بی‌علاقگی به یک وکیل یا اصحاب دعوا و یا احساس شما له یا علیه یک طبقه اجتماعی، اجتماع خاص، مذهب و منطقه نباید بر تصمیم و فرایند تصمیم‌گیری شما اثرگذار باشد و تنها باید بر اساس محتوای یک پرونده تصمیم‌گیری کنید نه بر مبنای شایستگی، اعتبار و یا نگرش وکیل یا اصحاب دعوا.

۳-۵-۲. تعصب و غرض‌ورزی درونی

اجازه دهید که در باب «تعصب و غرض‌ورزی درونی» سخن بگوییم. هر قاضی درک خود از درستی یا نادرستی، عادلانه یا غیرعادلانه و منصفانه یا غیرمنصفانه بودن موضوعات را دارد که بر تصمیم او در یک پرونده اثر می‌گذارد. این ادراک مبتنی بر نگرش‌های شخصی، اعتقادات سنتی، تعصب‌ها و باورهای راسخی است که عمیقاً ریشه در روان بشری دارد و این روان به وسیله آنچه می‌شنود و آنچه می‌خواند و احساس و تجربه می‌کند شکل می‌گیرد. در طول یک بازه زمانی، این قبیل ادراکات سبب می‌شود که قضات در تصمیماتشان کلیشه‌ای عمل کنند. برای مثال، تجربیات یک قاضی ممکن است سبب شود که همه اقدامات پلیس را با دیده شک و تردید بنگرد و دائماً بر این باور باشد غالب متهمان به اشتباه/ نادرست به جرایم اتهامی متهم شده‌اند و بی‌گناهان نباید تحت آزار و اذیت قرار گیرند و نباید روش‌های درجه سه^۱ (ایجاد فشارهای روحی و جسمی به متهمان به منظور گرفتن اقرار) را در بازجویی اعمال کرد و لازم است برای این متهمان مزیتی‌هایی قائل شد.

بنابراین، این قاضی تمایل به تبرئه متهم دارد و به همین دلیل «قاضی تبرئه‌گر»

۱. The third degree به روش‌هایی برای بازجویی اشاره دارد که از آن جمله می‌توان به ایجاد فشارهای روحی و جسمی برای گرفتن اقرار از متهم اشاره کرد (م).

دانسته می‌شود. یک قاضی دیگر ممکن است احساس کند در زمانی که پلیس برگه اتهام را بررسی و ثبت می‌کند و ادله مؤید اتهام راضمیمه می‌سازد نباید اختلافات موجود در ادله را با استناد به این که به علت «فشار» یا «خطای» انسانی بروز یافته است آن را نادیده بگیرد و از قلم بیاندازد. این قاضی تمایل دارد که متهم را «محکوم» کند و بنابراین یک «قاضی محکوم‌کننده» دانسته می‌شود. زمانی که پرونده به یک «قاضی محکوم‌کننده» ارجاع می‌شود که چیزی در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد احکام صادره از او حاکی از محکومیت می‌باشد، هر وکیل مدافع تلاش دارد تا از رسیدگی و تصمیم‌گیری پرونده‌اش به وسیله این قاضی ممانعت کند. اما زمانی که پرونده به یک «قاضی تبرئه‌کننده» ارجاع می‌شود که حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد احکام او حاکی از تبرئه می‌باشد، تعداد بسیار اندکی از وکلای مدافع از این مسئله ناخرسند خواهند بود. شما باید هوشیار باشید که بی‌طرفانه و تنها بر اساس محتوای پرونده‌ها رسیدگی کنید و مانع از آن شوید که شما را یک قاضی تبرئه‌کننده و یا یک قاضی محکوم‌کننده خطاب نمایند.

اجازه دهید در این زمینه نمونه دیگری را ذکر کنم. برای مثال، دو دعوای مشابه برای جبران خسارت مطرح می‌شود که در آنها سن، درآمد و تعداد بستگان متوفی یکسان است. یک دادگاه پنج هزار روپیه و دادگاه دیگر شش هزار روپیه را برای جبران خسارت تعیین می‌کند. ریاست هر دو دادگاه نیز بر عهده افراد درستکار و صادقی باشد. با این وجود، نگرش‌های شخصی آنها در قضاوت‌هایشان مؤثر افتد و آنها را بر آن دارد که علی‌رغم یکسان و مشابه بودن محتوای پرونده، میزان متفاوتی را تعیین کنند. حاصل این که دیگران هنگام خطاب کردن، قاضی اول را به سخت‌گیری^۱ و قاضی دوم را سهل‌گیر^۲ معرفی می‌کنند. مثال مشابه دیگر این است که ۹۰ درصد پرونده‌های خلع ید که به یک قاضی ارجاع شده نتیجه موفقیت‌آمیزی در پی داشته است، در حالی که در دادگاه دیگر ۹۰ درصد پرونده‌های خلع ید رد شده است. به این ترتیب، قاضی اول به «قاضی طرفدار موجر» و قاضی دوم به «قاضی طرفدار مستأجر» معروف می‌شود. به‌طور مشابه، در موضوعات کارگری نیز ما شاهد «قضات حامی مدیر» و «قضات حامی کارگر»

1. Tight-fisted judge.

2. Liberal judge.

هستیم و *فالی نریمان*^۱ از آن تحت عنوان «قاضی مستأجر» و قاضی «طرفدار کارگر» یاد کرده است.

نمی‌توان پذیرفت که سه قاضی داشته باشیم که هر یک بر مبنای نگرش شخصی به سه صورت متفاوت رأی صادر کنند. درست است که قضات ربات یا کامپیوتر نیستند که توقع داشته باشیم احکام قضایی یکسانی را صادر کنند و طبیعتاً از آنجایی که قضات انسان هستند نگرش‌های شخصی آنها لاجرم تصمیمات آنها را تا حدودی تحت شعاع قرار می‌دهد اما با این حال، یکی از اصحاب دعوا که حکم قضایی صادره باب طبع او نیست از خود سؤال خواهد کرد که چرا ارجاع پرونده او به یک قاضی مشخص سبب زیان و خسران او شده درحالی‌که پرونده مشابه در نزد قاضی دیگر نتیجه متفاوتی را در پی داشته است؟!

بنابراین، اجتناب از تأثیر منفی نگرش‌ها و تعصب‌های شخصی می‌باید در دستور کار قضات قرار گیرد. اصل «وحدت رویه» به این منظور اتخاذ شده است تا تداوم و همسانی در تصمیمات و آرا را تضمین کند.

باید مراقب باشیم در زمانی که آرای وحدت رویه موجود است نگرش‌های شخصی ما به عنصر تعیین‌کننده در تصمیم بدل نشود. اصحاب دعوا از طولانی بودن حکم صادره و یا اظهار فضل و دانش قاضی در آن آزرده خاطر نخواهند شد. آنها تنها نگران نتیجه دعوا هستند و این که حکم صادره له یا علیه کدام‌یک از طرفین است. بنابراین، باید تلاش کنید که به یک تداوم و همگونی در رأی‌هایتان برسید. منظور من این نیست که بگویم شما استقلال قضایی خود را کنار بگذارید و نمی‌توانم بگویم که اعتقادات و نگرش‌های شخصی شما در تصمیم‌گیری شما بی‌تأثیر است. تنها چیزی که می‌گویم این است که اگر رویه‌ای وجود دارد شما باید از آن تبعیت کنید و از نگرش‌های شخصی و غرض‌های خود که نشان‌دهنده تعصب و پیش‌داوری درونی شما است، پیروی نکنید.

شما ممکن است که از یک پیشینه مذهبی، رتبه اجتماعی و یا نگرش سیاسی برخوردار باشید یا این که ممکن است رابطه دوستانه‌ای با بسیاری از افراد داشته باشید و یا خود را وامدار بسیاری از افراد از جمله دوستانتان، معلمانتان، مربیانان و بزرگ‌ترهائیتان بدانید. با این حال، زمانی که در کسوت قضاوت در آمدید باید فارغ از

1. Fali Nariman.

پیشینه، نسب، اعتقادات و عقایدتان تنها به قانون و عدالت وفادار باشید و دوستان و نزدیکانتان که شما را یاری کرده‌اند و مربیانی که در پذیرش شما به عنوان قاضی مؤثر بوده‌اند و باید به آنها پاسخگو باشید و قضات دادگاه عالی که شما را برگزیده‌اند و یا حزب سیاسی که با ایدئولوژی آن حزب هویت‌یابی کرده‌اید هیچکدام نباید در وفاداری شما به قانون خللی ایجاد کنند. دوستی، وفاداری، تقدیر و سپاسگذاری کردن فی‌نفسه ویژگی‌های مهم و والایی هستند اما آن هنگام که تعهد قاضی به بی‌طرفی، درستکاری و عدالت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند ارزش خود را از دست می‌دهند. شما با صداقت و وظیفه‌شناسی و بدون ترس، حمایت، دلسوزی و کینه‌جویی از فردی، مسؤولیت‌های شغلی خود را انجام دهید. به تعبیر *توماس فالر*^۱ «موقعی که قاضی در کسوت قضاوت در می‌آید دوستی‌ها و روابط خویش را کنار می‌گذارد و به فردی بدل می‌شود که خویشاوند، دوست و آشنایی ندارد. کوتاه‌سخن، او بی‌طرف می‌شود».

اعلامیه بنگلور در مورد اصول رفتار قضایی (۲۰۰۲) بی‌طرفی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«۱-۲. یک قاضی مسؤولیت‌های قضایی خود را بدون هیچ‌گونه تبعیض، تعصب و غرض‌ورزی انجام می‌دهد.

۲-۲. یک قاضی تضمین می‌دهد منش او چه در محیط دادگاه و چه در بیرون دادگاه به گونه‌ای باشد که اعتماد عامه مردم، فعالان حقوقی و اصحاب دعوا به بی‌طرفی قاضی و دستگاه قضا را حفظ کرده و افزایش دهد.

۳-۲. قاضی باید تا آنجا که ممکن و منطقی است به گونه‌ای رفتار کند که بروز موقعیت‌هایی را که قاضی را از صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در باب پرونده ساقط می‌کنند به حداقل برساند.

۴-۲. قاضی نباید آگاهانه در باب پرونده‌ای که به وی ارجاع شده و یا قرار است به او ارجاع شود نظرانی را ایراد کند که منطقی بر نتیجه دادرسی تأثیرگذار تلقی شود و خللی در منصفانه بودن فرایند دادرسی به شمار می‌آید. قاضی همچنین در عرصه عمومی یا به انحاء دیگر، از هرگونه اظهارنظری که منصفانه بودن محاکمه هر فرد یا موضوعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد خودداری می‌کند.

1. Thomas Fuller.

۲-۵. قاضی باید از پذیرش رسیدگی به دعاوی که از نظر خود او یا هر ناظر معقول و متعارف دیگری فاقد توان تصمیم‌گیری بی‌طرفانه است اجتناب ورزد و خود را فاقد صلاحیت رسیدگی اعلام کند. در ادامه بخشی از دعاوی که قاضی باید از پذیرش رسیدگی به آنها اجتناب کند را ذکر می‌کنیم، اگرچه این موارد کامل و جامع نیستند.

۲-۵-۱. قاضی نسبت به یکی از اصحاب دعوی تعصب و جانبداری داشته و یا به واقعیت عینی ادله‌های مورد ادعا که به فرایند دادرسی مرتبط است آگاهی شخصی داشته باشد.

۲-۵-۲. قاضی قبلاً به عنوان وکیل در دعوا مشارکت داشته و یا در موضوع محل نزاع شاهد عینی بوده باشد.

۲-۵-۳. قاضی یا یکی از اعضای خانواده او در نتیجه دعوا منفعت اقتصادی داشته باشند:

با این حال، اگر هیچ محکمه دیگری را نمی‌توان برای بررسی این پرونده تشکیل داد و به علت فوریت مسئله عدم برگزاری فرایند دادرسی می‌تواند لطمه شدیدی به عدالت زند، صلب صلاحیت قاضی در قضاوت پرونده لازم نیست.

۱-۵. قاضی باید نسبت به وجود تنوع در جامعه و تفاوت‌هایی که از خاستگاه‌های گوناگونی چون نژاد، رنگ، جنس، مذهب، ملیت، طبقه اجتماعی، معلولیت، سن، وضعیت تأهل، گرایش جنسی، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و دیگر خاستگاه‌های مشابه (مبناهای غیرمرتبط) نشأت می‌گیرند آگاه بوده و از آنها درک وسیعی داشته باشد.

۲-۵. قاضی نباید در انجام مسؤولیت‌های قضایی، چه در بیان و چه در کردار، تبعیض و پیش‌داوری را نسبت به فرد و گروهی بر مبناهای غیر مرتبط روا دارد.

۳-۵. قاضی باید با حسن توجه، مسؤولیت‌های قضایی خود در قبال همه افراد از قبیل اصحاب دعوا، گواهان، وکلاء، کارکنان دادگاه و همکاران قضایی را بدون آنکه هیچ‌گونه تبعیض غیر موجه میان آنها روا دارد به انجام رساند.^۱

1. See: https://unodc.org/pdf/crime/corruption/judicial_group/Bangalore_principles.pdf.

نتیجه

اصلاحیه ارزش‌های زندگی قضایی^۱ (مصوب کنفرانس قضات عالی‌رتبه هند ۱۹۹۹) را مطالعه کنید. اگرچه این ارزش‌ها خطاب به قضات دادگاه عالی مطرح گردیده، با این حال اصولی که در این کنفرانس مورد تأکید قرار گرفته است را می‌توان نسبت به سیستم قضایی ناحیه نیز اعمال کرد. اصول بنگلور در باب رفتار قضایی مصوب ۲۰۰۲ را بخوانید. اجازه دهید توجه شما را به دو مورد از ارزش‌های عالی و مهم زندگی قضایی (اصلاحیه ارزش‌های زندگی قضایی) جلب کنم: الف) قاضی باید در همه ایام هوشیار باشد که در زیر نگاه خیره عموم مردم و افکار عمومی قرار دارد و نباید از او غفلت و قصوری سر بزند که شأن دستگاه قضا را خدشه‌دار کند. ب) منش و رفتار قضات باید اعتقاد و ایمان مردم به بی‌طرفی دستگاه قضا را تصدیق کند. صرفاً نباید به اجرای عدالت اکتفا کنیم، بلکه همگان باید اجرایی شدن عدالت را به وضوح بنگرند و بر آن صحنه گذارند. زندگی‌نامه‌ها و دست‌نوشته‌های الهام‌بخش قضات بزرگ را مطالعه کنید.

شما تضمین‌کنندگان حاکمیت قانون، مفسران قوانین، جویندگان حق و حقیقت و آمران عدالت هستید. با این حال شما قانون‌گذار، دلال و یا مجری قانون نیستید. به خاطر داشته باشید که سرشت وظایف و در عین حال اختیارات محول شده به قضات بسیار سخت و طاقت‌فرسا است و هر پرونده‌ای که به آنها ارجاع می‌شود به سرنوشت طرفین دعوا (حق حیات، معیشت، زیست آزادی و مالکیت فردی) مرتبط می‌باشد. از این که شجاعت و اعتقاد به اجرای عدالت در عین فروتنی، حکمت و شفقت به شما اعطا شده است شاکر باشید.

اگرچه لازم است اصول اخلاقی را مطالعه کنید، با این حال دانش به‌تنهایی کافی نیست. نمود عملی یافتن این اصول در تمام لحظات زندگی قضایی‌تان سبب کسب شایستگی برای شما و نام نیکو برای دستگاه قضا خواهد بود.

1. Restatement of Values of Judicial Life.

فهرست منابع

1. Hyde, Montgomery; *Norman Birkett-The Life of Lord Birkett of Ulverston*, The Reprint Society Ltd, London, 1965.
2. Raveendran, R. V.; *Rendering Judgements—some basics*, SCC Journal(10), 2009.
3. [https://ctconline.org/documents/legal/11.10.12%20Ajay%20Singh%20Material%20SG%20Meeting%20Legal_Maxim\[1\].pdf](https://ctconline.org/documents/legal/11.10.12%20Ajay%20Singh%20Material%20SG%20Meeting%20Legal_Maxim[1].pdf).
4. <https://dakshindia.org/wp-content/uploads/2015/11/Case-Flow-Management-Rules-in-India-by-DAKSH.pdf>.
5. https://lawcommissionofindia.nic.in/adr_conf/niranjan%20case%20mnt12.pdf.
6. https://unodc.org/pdf/crime/corruption/judicial_group/Bangalore_principles.pdf.

How to be a Good Judge -Advice to New Judges *

Mahdi Naseri Dowlatabadi **

Mustafa Saburi ***

Received: 19/12/2017

Accepted: 13/03/2018

Abstract

The respect and trust of the general public and legal practitioners in the judiciary depends on the manner, decision-making and fair and just administration of judgments by qualified and competent judges. This paper seeks to elaborate legal and managerial skills and ethical standards for new judges because they are essential requirements for obtaining legal competence. To this end, the article explores the five judiciary skills, including "full control over the rules of procedure", "extensive familiarity with the rules of law", "the ability to conduct a hearing appropriately," the issuance of orders and judgments in a transparent, rational, and accurate way" and, finally, "the ability to deal with requests that cause recurring sessions" and five management skills, including "time management", "branch management", "management of the court", "management of how to deal with attorneys "and" Management of self" and emphasizes that mere acquisition of such skills is not enough for judges to be qualified, and judges are inevitably obliged to achieve five moral standards of "subordination and recognition", "honesty and integrity," "judicial independence," "humility," and "neutrality". This paper also tries to show the accuracy of its claims with the consistent reference to the "Bangalore Principles of Judicial Conduct" adopted in 2002.

Key Words: *Judicial Skills, Administrative Skills, Bangalore Principles of Judicial Conduct.*

*This is a translation of an article written by R.V. Raveendran Former Judge, Supreme Court of India. Based on several lectures to newly appointed Judges given by him at National Judicial Academy, Bhopal, and State Judicial Academies of Karnataka, Madhya Pradesh, Delhi, Tamil Nadu, Andhra Pradesh, Uttar Pradesh and Punjab & Haryana.

**Ph.D Student of Private Law at University of justice.
naserimahdi88@yahoo.com

***Ph.D Student of International Relations at Tehran University.
m.sabori@ut.ac.ir